

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۲ (پیاپی ۲۶)، تابستان ۱۴۰۰

صص: ۱۴۷-۱۲۵

شاپا: ۸۴۵۷-۲۲۵۱

بررسی شعر خاقانی در «لغت‌نامه دهخدا»

دکتر رامین صادقی‌نژاد

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

چکیده

لغت‌نامه دهخدا که با زحمت بسیار و تلاش خستگی‌ناپذیر و اهتمام شبانه‌روزی چندین ساله بزرگ‌مردانی چون علی‌اکبر دهخدا و دیگران تدوین شده است؛ بدون تردید یکی از باارزش‌ترین منابع در عرصه تحقیق و پژوهش می‌باشد. به دلیل حجم زیاد و گستردگی بسیار بالای کار، شاهد راه یافتن تعدادی اشتباه، اغلاط مطبعی، ایرادها، خطاها، کاستی‌ها در این اثر سترگ می‌باشیم. سؤال اساسی این نوشته آن است که آیا در چاپ اخیر لغت‌نامه (۱۳۷۷)، این کاستی‌ها برطرف شده است؟ برای پاسخ به این سؤال، به صورت موردی، ابیات خاقانی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نتایج این بررسی که به صورت کتاب‌خانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام یافته است؛ نشان می‌دهد علی‌رغم تلاش ویراستاران محترم لغت‌نامه دهخدا در چاپ اخیر، متأسفانه هنوز ایرادهای زیادی از جمله ضبط صورت نادرست ابیات و استفاده نابجا و نادرست از ابیات شاهد ذیل مداخل یا عدم ارتباط شواهد شعری با مداخل، تحریف ابیات، ردیف‌ها و قوافی شناخته شده خاقانی، انتساب ابیات دیگران به خاقانی و برعکس و... باقی است و هنوز مَرْتَفَع نشده است.

واژگان کلیدی: استشهداد، خاقانی، ضبط، علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، مَدخل

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

Email: rsns1970@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

عبارت «کَلَّ صید فی جوف ا لفرا»، در مورد خاقانی، صادق است. یعنی چیزی در ادبیات ما نیست که در دیوان خاقانی نیامده باشد. حدود بیست و دو هزار و هشتصد و پنجاه (۲۲۸۵۰)، بار، شعر خاقانی در مجلدهای پانزده گانه لغت‌نامه دهخدا- که بالغ بر بیست و سه هزار و نهصد و یازده (۲۳۹۱۱)، صفحه است- مورد استشهداد، قرار گرفته است. کم‌تر صفحه‌ای از لغت‌نامه را می‌توان یافت که در آن، بیتی از خاقانی، نیامده باشد. این در حالی است که بعضی از مداخل و شواهد نیز فقط و فقط در انحصار خاقانی است. اما با کمال تأسف، علی‌رغم تلاش ویراستاران محترم مؤسسه دهخدا در چاپ دوره اخیر (سال ۱۳۷۷)، هنوز کاستی‌های زیادی در این مجموعه گران‌سنگ، خودنمایی می‌کند که سهم خاقانی از این کاستی‌ها، حدود ۸۰۰ مورد است.

۱-۲- پیشینه‌ی تحقیق

سید علی موسوی بهبهانی (۱۳۴۳)، در مقاله‌ای با عنوان «لغت‌نامه یا بزرگ‌ترین فرهنگ در زبان فارسی»، در مورد امتیاز و افتراق لغت‌نامه با سایر فرهنگ‌ها و چگونگی تألیف، تدوین، تنظیم، طبع و نشر، وظائف دست‌اندرکاران این تشکیلات، مطالب مفیدی ارائه کرده‌اند. رضا استادی (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای بلند که در دو شماره تحت عنوان «کاستی‌ها و ضعف‌ها در لغت‌نامه دهخدا»، در کیهان فرهنگی، به چاپ رسیده است، با ارائه نمونه‌هایی ثابت کرده‌اند که لغت‌نامه دهخدا، نیاز به تصحیح، تهذیب و تکمیل دارد. احمد عزتی پور (۱۳۷۷)، در پاسخی به نقد رضا استادی، تحت عنوان «دفاع از فرهنگ دهخدا»، تأکید کرده‌اند که انتقاد بر لغت‌نامه دهخدا، زمانی ارزشمند و سودمند خواهد بود که به قصد اصلاح و به دور از غرض ورزی باشد. سید علی ملکوتی (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نیم‌نگاهی به لغت‌نامه دهخدا»، تأکید کرده‌اند که بعضی از ترکیب‌ها و اصطلاح‌ها، نیاز به تعریف مجدد دارند. زهرا ربیع‌زاده (۱۳۷۹)، در مقاله «بررسی وضعیّت استناد در مدخل‌های اعلام جغرافیایی لغت‌نامه دهخدا»، تذکر داده‌اند که در کلیّه مدخل‌های مورد بررسی، استناد به کتاب‌ها بیش از سایر منابع است و بعضی از منابع، با کتاب‌های جغرافیایی، ارتباط مستقیمی ندارد. شعله احتشامی (۱۳۸۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل استنادی مدخل‌های اعلام تاریخی غیر شخص در لغت‌نامه دهخدا»، نشان داده‌اند که گرایش موضوعی منابع مورد استفاده و گرایش موضوعی مدخل‌ها بیانگر آن است که در زمان تألیف لغت‌نامه، منابع دینی از فراوانی و مستند بودن اطلاعات بیش‌تری برخوردار بوده‌اند. شعله احتشامی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای دیگر، تحت عنوان «تلنگری به

مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، پیشنهادهایی برای اصلاح و ویرایش آن ارائه داده‌اند. علی‌اشرف صادقی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های فرهنگ‌نویسی در لغت‌نامه دهخدا»، با بررسی لغت‌نامه دهخدا، اهم دلایل راه یافتن اشکال‌ها و موارد اشکال را با ذکر شواهدی چند نشان داده است. نجمه دژئی (۱۳۹۱)، در مقاله «شعر سنایی در لغت‌نامه دهخدا»، به بررسی جایگاه شعر سنایی در لغت‌نامه دهخدا پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اصلاح شاهد مثال‌های موجود در لغت‌نامه بر اساس چاپ‌های جدید، ضروری است. علی‌اصغر فیروزنیا (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «یک نقل قول اشتباه در لغت‌نامه دهخدا»، به خلط و اشتباه راه یافته در مورد «طغرا»، از شاعران هند در لغت‌نامه، اشاره کرده و خواستار تصحیح آن شده‌اند. بهروز محمودی بختیاری و فرزانه تاج‌آبادی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مقوله اتباع در لغت‌نامه دهخدا: یک بررسی مجدد»، به این نتیجه رسیده‌اند که مداخل واژگانی دارای اتباع، در برخی موارد با یکدیگر تناقض دارند و از دیدگاه زبان‌شناسی، بعضی از آنها را نمی‌توان اتباع در نظر گرفت. معصومه امینیان (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای موجز و مختصر، تحت عنوان «معنی‌های ابتلاء در لغت‌نامه دهخدا»، تأکید کرده‌اند که برخی از معنی‌ها- از جمله معانی واژه «ابتلاء»، به ویژه آنهایی که شاهد شعری ندارند؛ معنی آن مداخل نیستند، بلکه تفسیرهای از آن واژه‌ها در آیات قرآن‌اند. آرش امرایی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت ویرایش لغت‌نامه دهخدا»، با بیان شواهد، کوشیده‌اند؛ ضرورت ویرایش فرهنگ‌های فارسی، بویژه لغت‌نامه دهخدا را تذکر دهند.

۱-۳- روش پژوهش

در این تحقیق از روش کتاب‌خانه‌ای و شیوه توصیفی- اسنادی استفاده شده است. گردآوری و طبقه‌بندی داده‌ها، تجزیه و تحلیل و دست یافتن به یافته‌ها و استنتاج کلی، ساختار اساسی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱-۴- مبانی تحقیق

لغت‌نامه دهخدا که ۲۰۰ هزار مدخل دارد از جویبارهای بسیاری آبش‌خور یافته است. در این اثر، تمام واژه‌ها و اصطلاح‌ها از آثار کهن منظوم و منثور فارسی، استخراج و برای صحیح خوانده شدن واژه‌ها، در جلوی هر کلمه، حروف حرکت‌دار به کار رفته‌است و در جلوی هر کلمه، معنای لغوی آن، موارد کاربرد، طرز تلفظ صحیح، اشعاری در رابطه با آن و بسیاری اطلاعات دیگر درباره لغت آمده است. البته این موضوع بعضاً در تلفظ صحیح واژه‌ها و بویژه در اشعاری که برای مداخل، شاهد آورده شده؛ اشکال‌هایی را نیز سبب شده است. بروز این مشکل‌ها در هر اثری محتمل و غیر قابل اجتناب است؛ چنانکه در نقدی که بر فرهنگ انجمن آرای ناصری، رضا قلی‌خان هدایت نوشته شده، معایب ساختاری این

فرهنگ در بخش‌های جداگانه مدخل، تلفظ، ریشه، دستور، معانی، شاهد مثال و منبع آن مورد بررسی قرار گرفته است. (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

اهم دلایل راه یافتن ایرادها در لغت‌نامه دهخدا را باید ناشی از قطع همکاری اشخاصی چون: مُحَمَّد مُعین، سید جعفر شهیدی، بعد از مرگ دهخدا در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۹ به دلایل مختلف و همکاری افراد جدید با مؤسسه دهخدا واگذاری تدوین حروف الفبا در بین افراد مختلف، بدون هیچگونه ملاک و معیار مشخص، نبود شیوه‌نامه و دستورالعمل کتبی برای تدوین لغت‌نامه دانست. (صادقی، ۱۳۸۸: ۳). ستوده نیز به این نکته که لغت‌نامه دهخدا از آغاز طرح مُدَوّن نداشت و فنون لغت‌نامه نویسی در آن ملاحظه نمی‌شود؛ اشاره کرده است. (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۴).

بعضی معتقدند راه یافتن این خطاهای کوچک و بزرگ نه از جهت قصور در کوشش بلکه به خاطر محدود بودن توان آدمی است. (عزّتی پور، ۱۳۷۷: ۱۵۴). برخی نیز بروز این مشکل‌ها را ناشی از هم سطح نبودن افراد از حیث سواد و دانش تنظیم کنندگان لغت‌نامه دهخدا می‌دانند. صادقی می‌نویسد: «طبیعی است که این افراد از حیث دانش ادبی، زبانی و لغوی در یک سطح نبودند و نتیجه کار آنها هم طبعاً متفاوت بود. بعضی دارای مدرک دکتری ادبیات فارسی، بعضی دانشجوی دکتری، عده‌ای لیسانسیه ادبیات، برخی فقیه، حقوق‌دان، فلسفه‌دان، داندن پزشکی و جز آنها بودند.» (صادقی، ۱۳۸۸: ۳).

بعد از فوت دهخدا، میان مجلدها حروف مختلف کتاب از نظر کیفیت، اعتبار، صحت، حجم مطالب، زبان به کار گرفته شده در تعاریف لغات و جز آنها، خلأها و نقایص و تفاوت زیاد پیدا شده که در آخرین چاپ آن نیز بر طرف نشده است. بنابر سخن علی اشرف صادقی در مدت سی و اند سال اخیر، لغت‌نامه چندین بار، با همین اشکال‌ها و بدون ویرایش جدید چاپ شده است. (همان: ۳۸).

علامه دهخدا، خود به نقائص لغت‌نامه واقف بوده و تأکید کرده است که نویسنده یقین دارد مُحققان به مرور، به لزوم طبع اعلام توجه بیش‌تری خواهند فرمود و نقائص آن را رفع خواهند کرد. برخی معتقدند نوشتن ذیلی بر لغت‌نامه دهخدا با توجه به جنبه دائرةالمعارفی لغت‌نامه و تعداد زیاد مؤلفان اثر با سطح سواد و دقت متفاوت و عدم یک‌دستی کار و محدود بودن متون فیش شده در یک یا دو جلد ختم نخواهد شد و چه بسا که کل اثر را تحت الشعاع قرار دهد. (سلطانی، ۱۳۹۳: ۴۴۶).

در هر صورت متأسفانه در چاپ دوره اخیر (سال ۱۳۷۷)، هنوز کاستی‌هایی در این مجموعه گران‌سنگ، خودنمایی می‌کند. همداستان با آرش امرایی که معتقد است: «لغت‌نامه با همه ارزش‌ها و جایگاه شایسته‌اش ایرادهایی دارد که اصلاح آنها بر ارزش

و اعتبار علمی آن می‌افزاید. بدیهی است که بیان این نکات، نافعی ارزش‌های این کتاب نیست.» (امرای، ۱۳۹۵: ۲۲۸). امیدواریم چه در چاپ نوبت جدید لغت‌نامه دهخدا و چه در کاری که تحت عنوان «لغت‌نامه بزرگ فارسی» که کاری متمایز از لغت‌نامه دهخدا می‌باشد این کاستی‌ها مَرُتفع شود.

۲- بحث و بررسی

ابیات خاقانی که ذیل مداخل لغت‌نامه دهخدا، که درست و بجا ضبط نشده‌اند، در چند عنوان قابل دسته‌بندی است که برای اختصار، ناگزیر به صورت گذرا به مواردی چند اشاره می‌شود:

- ۱-۲- بیت‌هایی که توضیح‌های آن‌ها در شاهد مثال نادرست و اشتباه می‌باشند:
 ۱-۱-۲- در جلد اول، صفحه ۴۱، ذیل عبارت «آب گشاده»، نوشته‌اند: «آب روان، شربت یا مرقی سخت کم مایه» و این بیت را شاهد آورده‌اند:
 زر به بهای می چو سیم مکن گم آتش بسته مده به آب گشاده

در شعر خاقانی، مقصود از «آب گشاده»، «می»، است، مَجَازاً باده کم کیف، کم اثر. (سجادی، ۱۳۷۴: ۷/۱)، و «شراب تُنک و زبون» (عفیفی، ۱۳۷۶: ۳۰)، نه آب روان. در فرهنگ مُعین نیز ذیل این ترکیب آمده است: «شراب زبون و کم کیف، باده کم اثر» (مُعین، ۱۳۷۱: ۲۳/۱). گفتنی است ارائه معنای دقیق، منطقی، جامع و مانع از هر واژه کم‌تر امکان پذیر است. پس فرهنگ نویس باید مفهوم را به خواننده منتقل کند. (انوری، ۱۳۸۱: ۴۰/۱). خاقانی، این کنایه را در بیت ذیل هم به کار برده است:

صهبا گشاده آبی و زر بسته آتشی است من آب و آتش از زر و صهبا برآورم
 (خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۴۵)

- ۲-۱-۲- در جلد هفتم، صفحه ۹۸۱۷، ذیل مَدخل «خشک‌جانی» نوشته‌اند: «حالت خشک‌جان بودن. حالت عاشق نبودن. بدون عاشقی» و این بیت خاقانی را شاهد آورده‌اند:
 اگرم جفا نماید ز برای خشک جانی به وفای او که جانم هم از آن به در نیاید

ترکیب کنایی «خشک‌جان»، به معنی «جان ناقابل و بی‌ارزش»، می‌باشد و معادل ترکی آن: «بیر قوری جان: جان ناقابل و بی‌ارزش»، هنوز هم در تداول عامّه در آذربایجان به کار می‌رود:

بوسه خرانت را همه زَرّ تر است در دهن

وآن من است خشک‌جان بوسه بهای چون تویی

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۶۱)

رد مکن خشک‌جان من بپذیر

که بر آورد خشکسال توایم

(همان: ۶۴۰)

بس کن از جان خشک خاقانی

که نه بس صید چرب پهلویی

(همان: ۶۷۹)

صوفی که به ذات او رسد نور

چندان ز صفات خود شود دور

کاو ماند خشک جان ساده

در عرض قفای جان نهاده

(خاقانی، ۱۳۳۳: ۲۰۲)

۲-۲- ابیاتی که به خاطر عدم ضبط صحیح واژه‌ها و ترکیب‌ها ذیل مداخلی قرار

گرفته‌اند که بعد از تصحیح، دیگر نمی‌توان آنها را، شاهدی برای آن مداخل دانست:

۲-۲-۱- در جلد ششم، صفحه ۳۱۹۵، ذیل مدخل «خُتن»، در معنی «سرزمینی در

تُرکستان»، این بیت، استشهاد شده است:

هر دم جگرم سوزی گر زلف به کار آری

نه مُشک ختن گردد چون با جگر آمیزی

صورت صحیح واژه، «خَلَقَ»، در نسخه سَجّادی در معنای «کهنه و فرسوده» و صورت

صحیح بیت نیز از این قرار است:

تا کی جگرم سوزی و در زلف به کار آری

نه مُشک خَلَقَ گردد چون با جگر آمیزی؟

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۶۸۸)

۲-۲-۲- در جلد هفتم، صفحه ۹۷۳۹، برای مدخل «سرود»، در معنای «آواز»، بیت

زیر را شاهد آورده‌اند:

خروش و جوش تو از بهر بود و نابود است

که از سرود گروهیست شورش و غوغا

صورت صحیح عبارت، «از سر دو گروهی است»، نه «از سرودِ گروهی»! «دو گروهی»،

به معنی «اختلاف و ودوگانگی، دو دستگی و نفاق»، می‌باشد. این مسأله، از قرائت نادرست

بیت، ایجاد شده است. سَجّادی نیز به این اشتباه واضح لغت‌نامه، اشاره کرده است.

(سجّادی، ۱۳۷۷: ۵۶۸/۱). خاقانی در بیت ذیل هم، این اصطلاح را به کار برده است:

برداشت فرّ او دو گروهی ز خاک و آب آمیخت با سموم اثیری دم صبا
(خاقانی، ۱۳۶۸: ۵)

۳-۲-۲- در جلد هشتم، صفحه ۱۲۰۴۲، ذیل «رُسته»، به معنای «ردیف، صف و رَج»، بیت ذیل را شاهد آورده‌اند:

رسته دندان نیاز آنجا و پیر هشت خلد از بُن دندان طفل هشت مردان آمده

ضبط صحیح کلمه «رُسته» و در معنی «روئیده» است. در همین بیت، علاوه بر این اشتباه، متأسفانه واژه «طُفیل»، نیز به صورت «طفل»، ضبط شده که نادرست است. صورت صحیح بیت بدین شکل است:

رُسته دندان نیاز آنجا و پیر هشت خُلد از بُن دندان طُفیل هشت مردان آمده
(همان: ۳۶۸)

۳-۲- ابیاتی که ذیل مداخلی آمده‌اند که شاهد آن مدخل نیستند.

۳-۲-۱- در جلد نهم، صفحه ۱۳۴۴۹، برای مدخل «سپید کاسه»، در معنای «جوان‌مرد»، بیت ذیل را شاهد آورده‌اند:

دهر سپید دست سیه کاسه‌ای است صعب

منگر به خوش زبانی این تُرش میزبان

علاوه بر این که ترکیب کنایی «سپید کاسه»، در معنای «جوان‌مرد»، درست نیست و به معنای بی‌شرم و خیانت پیشه است. (سجّادی، ۱۳۷۷: ۷۸۴ / ۱). اصلاً همچنین ترکیبی در این بیت وجود ندارد!

۳-۲-۴- در بعضی موارد نیز به خاطر قرائت نادرست بیت، ترکیب‌هایی اختراع شده است که چون متأسفانه از این اشتباه خود ساخته، سر در نیاورده‌اند- مقابل آن، علامت سؤال گذاشته‌اند؛ که در صورت قرائت صحیح بیت، معنای ترکیب، کاملاً واضح و بدون ابهام می‌شود. به عنوان نمونه در جلد نهم، صفحه ۱۲۸۲۷، ذیل مدخل «زریپیل»، این بیت را مثال آورده‌اند:

زر دوست از دست جهان در پای پیل افتاده دان

ما زیر پای دوستان زریپیل (؟) بالا ریخته

ترکیبی که در این بیت، تحت عنوان مدخل؛ باید مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ «پیل

بالا»، است، نه «زر پیل»!

۲-۵- یکی دیگر از موارد قابل تأمل، افزودن حروف یا واژه‌هایی به بیت یا اسقاط حرف یا کلمه‌ای از بیت می‌باشد:

۲-۵-۱- در جلد دوم، صفحه ۲۴۴۲، در مصراع دوم بیت ذیل خاقانی، کلمه «من»، زائد بر اصل است:

اسقف شناس گفتا جز تو به صدر عیسی بر دیر چارمین فلک رهبری ندارم

۲-۵-۲- در جلد ششم، صفحه ۸۹۴۵، در بیت ذیل از خاقانی، در آغاز مصراع اول، حرف «به»، زاید بر اصل است:

به رشک نظم من خورد حسن ثابت را جگر

دست نثر من زند سبحان وائل را قفا

۲-۵-۳- در جلد پنجم، صفحه ۷۹۹۷، در بیت ذیل خاقانی، بعد از واژه «چاشنی»، فعل «شد»، ساقط شده است:

دیدنی شده‌همه نوری به ظلم در شکنید چاشنی همه صافی به کدر باز دهید

۲-۶- مورد دیگر، عدم رعایت فاصله میان هجائی و میان واژه‌ای است که باعث اشتباه در ضبط بیت شده است:

۲-۶-۱- در جلد چهارم، صفحه ۴۹۱۶، در بیت ذیل خاقانی:

بر قیاس شاه شرق کارسلان خان سخاست دیدن بکتاش و بغرا برنتابد بیش ازین

عدم رعایت فاصله میان هجائی در کلمه «ارسلان»، موجب شده است؛ قرائت صحیح بیت با اشکال مواجه شود. در صورت رعایت فاصله میان هجائی واژه‌ها، بیت باید به شکل ذیل ضبط شود:

بر قیاس شاه شرق کارسلان خان سخاست

دیدن بکتاش و بغرا برنتابد بیش ازین

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۳۹)

۲-۶-۲- در جلد پنجم، صفحه ۶۶۲۲، در بیت ذیل خاقانی:

چون موی خوک در زن ترسا بود چرا تار ردای روح پدر زن درآورم

عدم رعایت فاصله میان هجائی در بین واج‌های واژه بسیط «دَرزَن»، در معنای «سوزن خیاطی»، و ضبط واج «پ» به جای «ب» و چسباندن آن به واژه بسیط «دَرزن» - که متأسفانه باز فاصله میان هجائی بین واج‌های این واژه بسیط رعایت نشده است - باعث بروز اشکال شده است. در هر صورت، ضبط صحیح بیت، به شکل ذیل است:

چون مویِ خوک دَرزن ترسا بُود چرا
تار ردایِ روح به دَرزن در آورم
(همان: ۲۴۲)

۷-۲- مورد بعدی، حرکه گذاری‌های نادرست و گذاشتن علامت‌های سجاوندی نابجا باعث بروز اشکال شده است. صادقی در مورد این اشکال در لغت‌نامه دهخدا تذکر داده است. (صادقی، ۱۳۸۸: ۳۳). این مسأله عمدتاً از قرائت نادرست ابیات ناشی شده است که به مواردی اشاره می‌شود.

۷-۲-۱- در جلد پنجم، صفحه ۶۷۶۰، در بیت ذیل خاقانی:
همانا خروس است غمّاز مستان که تشنیع او را، ز مستان نماید

گذاشتن علامت درنگ کوتاه (،) بعد از «را» در حالی که «راز: سر»، واژه بسیط است باعث اشکال در بیت شده است.

۷-۲-۲- در جلد ششم، صفحه ۸۷۴۲، در بیت ذیل خاقانی:
خال سیاه او حجرالاسود است از آنک ماند به خال و زلف، بهم حلقه درش

جای صحیح علامت درنگ کوتاه (،)، بعد از واژه «بهم»، می‌باشد؛ چرا که «بهم»، صفت زلف می‌باشد.

۸-۲- در پاره‌ای موارد نیز، جدا نویسی یا برعکس، سرهم نویسی ترکیب‌ها موجب بروز اشکال شده است:

۸-۲-۱- در جلد دهم، صفحه ۱۴۶۱۷، در بیت ذیل از خاقانی:
بر سر شهره عجزیم کمر بر بندیم رخت همّت ز رصدگاه خطر بر بندیم

در این بیت ترکیب اضافی «شهره» که شائبه قرائت به صورت «شهره» را هم دارد در صورت جدا نویسی (رعایت استقلال صرفی واژگان فارسی)، به صورت «شه ره»، از بروز این اشکال جلوگیری خواهد کرد.

۸-۲-۲- در جلد چهارم، صفحه ۵۰۰۷، در بیت ذیل خاقانی:
بود که روز اذالشمس کورت بی نام بنات نعش فلک را بریده موی و مُصاب

در مصراع اول، فعل دعایی «بینام: امید است که ببینم»؛ به خاطر جدا نویسی نابجا، به صورت «بی‌نام: بدون نام»، درآمده و باعث بروز اشکال شده است. در آغاز مصراع اول، فعل «بود»، نادرست است و باید به «برو»، اصلاح شود.

۲-۹- از دیگر موارد، تحریف‌هایی است که در سطح ابیات و نه در کلمه‌ها رخ داده است. بدین صورت که مصراعی از یک بیت با مصراعی از بیت دیگر، بیتی «شتر گاو پلنگ»، را شکل داده است. شگفتی زمانی به اوج می‌رسد که مصراعی از این ابیات از یک قصیده و مصراع دیگر از یک قصیده یا قطعه دیگر می‌باشد!

۲-۹-۱- در جلد چهارم، صفحه ۶۰۰، بیت:

از آن صف پیشین نمایی و طایی به جز غمر غمرالردایی نبینم

این بیت که در مصراع اول آن، واژه «نمایی» نیز، باید به «یمانی» تغییر یابد از دو بیت متفاوت ذیل، امتزاج یافته است:

از آن صف پیشین یمانی و طایی به حی کرم پیشوایی نبینم

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۹۳)

وزین باز پس ماندگان قبائل بجز غمر غمرالردایی نبینم

(همان: ۲۹۴)

۲-۹-۲- در جلد ششم، صفحه ۸۴۱، در بیت ذیل:

به ترکستان اصلی شو برای مردم معنی از بوی ناقه عطسه مشکین زند مشام

این بیت از دو شعر کاملاً متفاوت که صورت درست آن‌ها در ذیل آمده است فرآوری شده است! در مصراع دوم این بیت، واژه «ناقه»، باید به «نافه»، تغییر یابد:

به ترکستان اصلی شو برای مردم معنی

به چین صورتی تا کی پی مردم گیا رفتن

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۴۷)

بر تربتش که تبت و چین شد چو بگذری از بوی نافه مشکین زند مشام

(همان: ۳۰۳)

۲-۹-۳- در جلد هفتم، صفحه ۱۰۶۵۲، در بیت ذیل:

سکه نهد بر درم ماهی ضراب وز آرزوی سکه ی او هم به فر او

در کمال شگفتی، این بیت بدین صورت فرآوری شده است که مصراع اول آن، مصراع

دوم بیتی از قصائد خاقانی و مصراع دوم بیت فراوری شده، مصراع اول بیتی از قطعه‌های خاقانی می‌باشد! در هر حال، صورت صحیح بیت مجعول لغت‌نامه بدین قرار است:

تکیه نکند بر کرم دهر خردمند سکه نهد بر درم ماهی ضرب

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۵۷)

وز آرزوی سکه او هم به فرّ او زرّ درست شد درم ماهیان آب

(همان: ۸۱۷)

۲-۹-۴- در پاره‌ای موارد نیز یک بیت، طوری تحریف شده است که به نظر می‌رسد آمیزه‌ای از چند بیت باشد. در جلد چهاردهم، صفحه ۲۲۲۳، بیتی از خاقانی بدین صورت درآمده است:

ناگزران دل داست حلقه غم داشتن

حلقه ماتم زدن ماتم عم داشتن

صورت صحیح این بیت که اتفاقاً مطلع قصیده نیز می‌باشد- بدین گونه است:

ناگزران دل است نوبت غم داشتن جبهت آمال را داغ عدم داشتن

(همان: ۳۱۶)

جدای از غلط مطبعی موجود در مصراع اول بیت فراوری شده لغت‌نامه که در آن، حرف «د»، قبل از فعل «است»، زائد است؛ واژه «حلقه»، در بیت بیست و چهارم قصیده خاقانی، واژه «ماتم»، در بیت بیست و پنجم، این قصیده و واژه «عم»، نیز که به عنوان قافیه این بیت مجعول، مورد استفاده قرار گرفته در بیت بیست و چهارم قصیده خاقانی واقع شده است!

۲-۹-۵- در جلد دهم، صفحه ۱۴۶۱۷، نیز بیت از خاقانی بدین صورت مُثله شده است:

جان از پی گرد مرکب تو بر شهره منزل کواکب

صورت صحیح بیت به شکل ذیل است:

جان از پی گرد موکب تو بر شه ره ترک‌تاز بستیم

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۶۴۲)

۲-۱۰- یکی از موارد دیگر، ضبط‌های چندگانه از یک بیت واحد خاقانی می‌باشد که فقط به یک نمونه بسنده می‌شود:

در جلد نهم در صفحات ۱۳۰۶۵ و ۱۳۲۳۳ و ۱۳۸۸۳، یک بیت واحد، به چند صورت متفاوت ضبط شده است؛ که صد البته صورت سوم و ضبط ضیاءالدین سجادی صحیح

می‌باشد. شاید اگر تنظیم‌کنندگان لغت‌نامه‌ی دهخدا، در ذکر شواهد به سال چاپ و نسخه‌ی مورد نظر خود اشاره می‌کردند، این گونه اشکال‌ها تا حدودی مُرتفع می‌شد. صادقی در بخش شواهد لغت‌نامه‌ی دهخدا، در مورد این دست از اشکال‌ها می‌نویسد: «ارجاع دقیق شواهد برای کنترل کردن آنها با منابع اصلی از ضروریات فرهنگ‌نویسی است.» (صادقی، ۱۳۸۸: ۲۷).

جان کنند از ژاژخایی تا به گرد من رسند	کی رسد سیرالخوانی در نجیب ساربان
جان کنند از ژاژخایی تا به گرد من رسند	کی رسد سیرالسوافی در نجیب ساربان
جان کنند از ژاژخایی تا به گرد من رسند	کی رسد سیرالسوانی در نجیب ساربان

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۲۸)

۲-۱۱- مورد دیگر ابیاتی است که در لغت‌نامه به خاقانی نسبت داده شده، اما از خاقانی نیست و گویندگان آن‌ها نیز مشخص نشد. برای پرهیز از اطناب، فقط به شماره‌ی صفحاتی از لغت‌نامه که ابیات به اسم خاقانی، ضبط شده است؛ اشاره می‌شود. جلد چهارم، صفحه‌ی ۵۴۸۰، جلد هفتم، صفحه‌ی ۱۰۲۵۰، جلد هفتم، صفحه‌ی ۱۱۰۷۱، جلد هشتم، صفحه‌ی ۱۲۱۵۱، جلد هشتم، صفحه‌ی ۱۲۳۸۰، جلد نهم، صفحه‌ی ۱۲۹۴۳، جلد نهم، صفحه‌ی ۱۳۹۶۳، جلد دهم، صفحه‌ی ۱۴۶۶۱

۲-۱۲- مورد دیگر، ابیاتی است که به خاقانی نسبت داده شده است، اما گویندگان آن ابیات، شاعران دیگری می‌باشند.

۲-۱۲-۱- در جلد دوم، صفحه‌ی ۲۸۳۶، بیت ذیل از جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی (عبدالرزاق اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۶۱)، است:

ای عجب دلتان بنگرفت و نشد جانتان ملول

زین هواهای عفن زین آب‌های ناگوار

۲-۱۲-۲- در جلد چهارم، صفحه‌ی ۵۹۸۵، بیت ذیل از «شرف‌نامه‌ی نظامی است، (نظامی، ۱۳۳۵: ۱۵۹):

بدان تعبیه شد دل شاه خوش

در آموختش راز آن پیشکش

۲-۱۲-۳- در جلد هفتم، صفحه‌ی ۱۰۰۴۵، بیت ذیل از «اقبال‌نامه‌ی نظامی است. (نظامی، ۱۳۷۶ الف: ۱۵۱):

که خوانندگان را بود کارساز

نگارد یکی نامه‌ی دلنواز

۲-۱۲-۴- در جلد هشتم، صفحه ۱۱۸۶۱، بیت ذیل از رباعی‌های ابوالعلاء گنجه‌ای است. (عوفی، ۱۹۰۶م: ۱۲۸/۲):

هجو کسی مکن که از تو مه بود به سال شاید که او پدر بود و تو ندانیا

۲-۱۲-۵- در جلد هشتم، صفحه ۱۲۱۵۷، بیت ذیل از «شاه‌نامه» فردوسی است. (فردوسی، ۱۳۷۴: ۲۳۳/۲):

جز از نیکنامی و فرهنگ و داد ز رفتار گیتی مگیرید یاد

۲-۱۲-۶- در جلد هشتم، صفحه ۱۲۲۷۵، بیت ذیل از رودکی است. (رودکی، ۱۳۳۶: ۵۴):

موی سفید را نه از آن رو کنم سیاه تا باز جوان شوم و صد کنم گناه

۲-۱۲-۷- در جلد نهم، صفحه ۱۳۳۹۴، بیت ذیل از «شرف‌نامه» نظامی است. (نظامی، ۱۳۳۵: ۲۷۵):

جهان سبز دید از بسی کشت و رود به سر سبزی آمد بدانجا فرود

۲-۱۲-۸- در جلد نهم، صفحه ۱۴۳۸۲، بیت ذیل در قطعه‌ای نامشخص هم به بابا افضل کاشانی نسبت داده شده است. لازم به ذکر است که در مصراع اول بیت نیز افتادگی رخ داده و بعد از واژه «شکستگی»، کلمه «عادت»، ساقط شده است:

چون زلف بتان شکستگی عادت کن تا صد هزار دل کنی در نفسی

۲-۱۲-۹- در جلد دهم، صفحه ۱۴۶۷۱، بیت ذیل از شرف‌نامه نظامی است. (نظامی، ۱۳۳۵: ۶۳):

اگر شیر گور افکند وقت زور تو شیر افکنی بلکه بهرام گور

۲-۱۲-۱۰- در جلد دهم، صفحه ۱۴۹۶۸، بیت ذیل از «مخزن الاسرار»، نظامی است. (نظامی، ۱۳۷۰: ۱۶۷). با این تذکر که واژه «زشتی» نیز باید به «مُشتی»، اصلاح شود:

صفر کن این بُرج ز جرم هلال باز کن این پرده زشتی خیال

۲-۱۲-۱۱- در جلد یازدهم، صفحه ۱۶۴۰۷، بیت ذیل از فرخی سیستانی است. (فرخی

سیستانی، ۱۳۸۵: ۹۵):

بویکر عندلیب نوا را بخوان گو قوم خویش را چو بیابی بیار

۲-۱۲-۱۲- در جلد یازدهم، صفحه ۱۷۲۳۲، بیت ذیل از «لیلی و مجنون»، نظامی است. (نظامی، ۱۳۶۹: ۳۱):

گر فوت شود یکی نواله بر چرخ رسد نفیر و ناله

۲-۱۲-۱۳- در جلد دوازدهم، صفحه ۱۹۰۳۴، بیت ذیل از فرخی سیستانی است. (فرخی سیستانی، ۱۳۸۵: ۶۶):

درازتر سفر او بدان رهی بوده است که ده ز ده نگسسته است و کردار از کردار

۲-۱۲-۱۴- در جلد سیزدهم، صفحه ۱۹۶۰۲، بیت ذیل از قطران تبریزی است. (قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۱۳۷):

لب تر مکن به آب که طلق است در قدح دست از طعام دار که زهر است توأمان

۲-۱۲-۱۵- در جلد سیزدهم، صفحه ۱۹۸۴۲، بیت ذیل از «حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه» سنایی غزنوی است. (سنایی، ۱۳۶۸: ۵۳۲):

لطف او شد نشیمن صهبا قهر او شد لویشن دریا

۲-۱۲-۱۶- در جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۱۰۸، بیت ذیل از «خسرو و شیرین» نظامی است. (نظامی، ۱۳۷۶: ۳۱):

مبّرًا حکمش از زودی و دیری منزّه دانش از بالا و زیری

۲-۱۲-۱۷- در جلد چهاردهم، صفحه ۲۲۰۲۷، بیت ذیل از یک غزل سعدی است. (سعدی، ۱۳۷۹: ۴۱۵):

ای پادشاه سایه ز درویش وامگیر ناچار خوشه چین بود آنجا که خرمن است

۲-۱۲-۱۸- در جلد چهاردهم، صفحه ۲۲۲۴۳، بیت ذیل از مولوی است. (مولوی، دفتر اول، ۱۳۷۸: ۵۷):

همزبانی خویشی و پیوندی است مرد با نامحرمان چون بندی است

۲-۱۲-۱۹- در جلد چهاردهم، صفحه ۲۲۵۶۳، این بیت ذیل از انوری ابیوردی است.
(انوری، ۱۳۳۷: ۵۱۰):

نظاره کنان به روی خوبت چون در نگرند از کران‌ها

۲-۱۳- یکی از مواردی که دارای بسامد بسیار بالایی (حدود ۵۵۰ مورد) است؛ اغلاط مطبعی است که فقط به یک مورد بسنده می‌شود. در جلد چهارم، صفحه ۵۲۲۸، در مصراع اول بیت ذیل چهار غلط وجود دارد:
بیضه بشکن مرغ گم کن تا بری طاووس تر

بیضه پروردن به گنجشکان گذار و ماکیان

که صورت صحیح مصراع اول بدین شکل است:
بیضه بشکن نوع کم کن تا بوی طاووس نر

بیضه پروردن به گنجشکان گذار و ماکیان
(خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۲۷)

۲-۱۴- مورد دیگر، دخل و تصرف در قافیه‌های اشعار خاقانی است، اگرچه این مورد نیز می‌توانست در طبقه‌بندی اغلاط مطبعی آورده شود؛ اما از آنجا که در شعر خاقانی، قافیه از اهمیت و تشخیص ویژه‌ای برخوردار است؛ به تفکیک، ذکر می‌شود:
۲-۱۵-۱- در جلد دوم، صفحه ۱۸۷۲، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: وفا، مرا، کجا و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۹)، واژه «تار»، به «تا»، تغییر یابد:

نوی باربد و ساز بربط و مزمار طریق کاسه گر و راه ارغنون و سه تار

۲-۱۵-۲- در جلد سوم، صفحه ۴۷۰۴، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: صبا، هوا، کیمیا و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۳)، واژه «آسیاب»، به «آسیا»، تغییر یابد:
پیش بزرگان ما آب کسی روشن است

کآب ز پس می‌خورد بر صفت آسیاب

۲-۱۵-۳- در جلد چهارم، صفحه ۵۰۸۱، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: نقاب، انقلاب، ناب و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۷)، واژه «عجیب»، به «عجاب»، تغییر یابد:
بو قلمون شد بهار از قلم صبح و شام راند مثالی بدیع ساخت طلسمی عجیب

۲-۱۵-۴- در جلد پنجم، صفحه ۷۶۵۱، با توجه به واژه‌های قافیه غزل خاقانی: شنیدم، دویدم، بریدم و (خاقانی، ۱۳۶۸: ۷۹۸)، فعل «کشیدن»، به «کشیدم»، تغییر یابد و واژه «جم»، در مصراع دوم، به «جام»، تغییر یابد، زیرا «جام جام»، قید مقدار است: خورشید خاک شد ز پی جرعه یافتن آن دم که جام جم کشیدن به صبحگاه

۲-۱۵-۵- در جلد ششم، صفحه ۸۸۹۵، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: احزان، زندان، اخوان و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۴۷)، واژه «شهلا»، به «تهلان»، تغییر یابد: عمان و محیط و نیل و جیحون جودی و حری و قاف و شهلا

۲-۱۵-۶- در جلد دهم، صفحه ۱۴۸۶۰، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: گوهری، سکندری، شش سری و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۲۱) فعل «کُنی»، به «خوری»، تغییر یابد:

گرچه صبح فوت شد کوش که پیش از آفتاب
زان می آفتاب‌وش یاد صبحیان کنی

۲-۱۵-۷- در جلد یازدهم، صفحه ۱۷۱۲۳، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: پنهانی، پیشانی، گریبانی و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۱۰)، واژه «دانایی»، به «لامانی»، تغییر یابد:

فرو کن نطع آزادی برافکن لام درویشی
که با لام سیه پوشان نماند لاف دانایی

۲-۱۵-۸- در جلد یازدهم، صفحه ۱۷۴۷۶، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: گشایی، نمایی، سای و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۳۵)، باید جای دو مصراع تغییر یابد، تا قافیه درست باشد. در ضمن در واژه «عمر»، حرف «و»، ساقط شده است:

قرآن چه کند زحمت بو عمر و کسایی دولت نبرد منت رسمی و معاشی
۲-۱۵-۹- در جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۴۰۴، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: دلدار، بردار، کنار و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۰۰)، واژه «نقاد»، به «نقار»، تغییر یابد: همه دزدان نظم و نثر منند دزد را چون نهم محل نقاد

۲-۱۵-۱۰- در جلد پانزدهم، صفحه ۲۲۸۲۱، با توجه به واژه‌های قافیه قصیده خاقانی: درآ، پادشا، ترا و... (خاقانی، ۱۳۶۸: ۱)، واژه «او»، به «لا»، تغییر یابد:
هر چه جز نور السموات از خدایی عزل کن
گر تو را مشکوه دل روشن شد از مصباح او

۲-۱۶- یکی دیگر از موارد قابل توجه، تحریف ردیف‌های شناخته شده اشعار خاقانی است. ردیف از شاخص‌ترین مشخصه‌های سبکی شعر خاقانی است. کسانی که اندک آشنایی با شعر خاقانی داشته باشند به آسانی می‌توانند به واسطه این مشخصه سبکی شعر او را از دیگران باز شناسند. در لغت‌نامه دهخدا بیش از پنجاه بار، ردیف‌های شناخته شده اشعار خاقانی، مورد تحریف واقع شده است که فقط به سه مورد، اشاره می‌شود:
۲-۱۶-۱- در جلد سوم، صفحه ۳۶۶۲، با توجه به ردیف این قصیده، «یابند»، به «بینند»، تغییر یابد. (خاقانی، ۱۳۶۸: ۹۵):
سخنش معجز دهر آمد از این به سخنان به خدا گر شنوند اهل عجم یا یابند

۲-۱۶-۲- در جلد پنجم، صفحه ۷۳۷۲، با توجه به ردیف قصیده، واژه «شما»، به «همه»، تغییر یابد. در ضمن در مصراع اول همین بیت، واژه «کید»، غلط است و باید به «کند»، اصلاح شود. (خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۰۹):
خانه طالع عمرم ششم و هشتم کید چون ندیدید که جاماسب دهائید شما

۲-۱۶-۳- در جلد پنجم، صفحه ۲۵۷۴، با توجه به ردیف قصیده، «تو»، به «من»، تغییر یابد (خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۲۰):
نافه مشکم که گر بندم کنی در صد حصار
سوی جان پرواز جوید طیب جان افزای تو

۲-۱۷- یکی از موارد قابل توجه دیگر، بیت‌هایی است که از مثنوی «تحفه العراقرین» خاقانی در لغت‌نامه آمده، ولی به نام خاقانی، اشاره‌ای نشده است! کسانی که با آثار خاقانی آشنایی نداشته باشند؛ متوجه این نکته نخواهند شد که این ابیات از خاقانی است که فقط به نمونه‌ای بسنده می‌شود. در جلد هفتم، صفحه ۱۰۰۶۲:
تاریکی جهل خود ستایی است لاعلم عین روشنایی است

۲-۱۸- آن که آخرین موردی که طرح می‌شود، ابیاتی است که در لغت‌نامه مقابل آن‌ها بزعم آن که گوینده‌ی شعر، مشخص نیست- علامت سؤال گذاشته‌اند؛ ولی این ابیات بدون تردید از خاقانی است:

۲-۱۸-۱- جلد دوم، صفحه‌ی ۳۴۷۱، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۷۱):
شاه انجم خادم لالای اوست خدمت لالاش از آن خواهم گزید

۲-۱۸-۲- جلد پنجم، صفحه‌ی ۷۴۳۹، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۴۸۲):
روز از آن سوی کوه سرمست است از نفس‌های جان فزای صبح

۲-۱۸-۳- جلد ششم، صفحه‌ی ۸۳۳۹، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۳۱):
آن را که بشکنند نوازش کنند باز یعنی که چون شکست نوازش دوی اوست

۲-۱۸-۴- جلد ششم، صفحه‌ی ۸۹۲۹، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۵۶):
آخر چه حساب گیرد انگشت کو را زمین فروگذارد

۲-۱۸-۵- جلد ششم، صفحه‌ی ۸۲۳۴، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۶۳۴):
تا لب من خاک بوس کوی تست هر دم از لب بوی جان می‌آیدم

۲-۱۸-۶- جلد هشتم، صفحه‌ی ۱۲۳۲۸، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۹):
تا به نوای مدیح وصف تو بر داشتم رود رباب من است روده‌ی اهل ریا

۲-۱۸-۷- جلد هشتم، صفحه‌ی ۱۲۳۵۴، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۲۷):
بود آفتاب زردی کان روز رخ در آمد صبح دو عید بنمود از سایه‌ی هلالش

۲-۱۸-۸- جلد نهم، صفحه‌ی ۱۴۳۹۲، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۴۷):
با پشت و دل شکسته آمد در خدمت تو درست پیمان

۲-۱۸-۹- جلد نهم، صفحه‌ی ۱۳۴۰۹، بیت ذیل از خاقانی است (خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۰۶):
از کعبه‌ی گر آویزند کعبه‌ی بر من فشاندی اشعار

که البته صورت صحیح بیت به شکل ذیل است:

از کعبه گر درآویزند کعبه بر من فشاندی استار

(همان: ۲۰۶)

۲-۱۸-۱۰- جلد دهم، صفحه ۱۴۸۵۹، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸: ۶۲۰):

صبح گویم سُبوح گوی چون باشم چو من ملامتی رخصه جوی باده بیار

۲-۱۸-۱۱- جلد دهم، صفحه ۱۵۲۳۷، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۰):

تیر همام گفت که ما اژدها سریم تا طاق گنج خانه نصرت کمان

که البته صورت صحیح بیت به شکل ذیل است:

تیر همام گفت که ما اژدها سریم تا طاق گنج خانه نصرت کمان ماست

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۰)

۲-۱۸-۱۲- جلد دهم، صفحه ۱۵۴۳۸، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۱۵):

هر پاسبان که طره بام زمانه داشت چون طره سر بریده شد از زخم خنجرش

۲-۱۸-۱۳- جلد یازدهم، صفحه ۱۶۵۹۴، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸:

۲۷۵):

هر صبح فتح باب کن از انجم سرشک بنشان غبار غصه به باران صبحگاه

۲-۱۸-۱۴- جلد دوازدهم، صفحه ۱۸۱۴۹، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸:

۴۹۰):

ز آسمان کان کبود کیمختی است تیغ بُرانش را قِراب رساد

۲-۱۸-۱۵- جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۴۱۶، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸:

۷۷۷):

سینه مکن کاسمان در خون اوست از خرابی محنت آباد است باز

که البته صورت صحیح بیت به شکل ذیل است:

سینه من کاسمان در خون اوست از خرابی محنت آباد است باز

(همان: ۷۷۷)

۲-۱۸-۱۶- جلد چهاردهم، صفحه ۲۲۳۴۱، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۱۲):

کی باشد نجات ز صفرای روزگار تا باشدت حیات ز خضرای آسمان

۲-۱۸-۱۷- جلد پانزدهم، صفحه ۲۲۹۹۲، بیت ذیل از خاقانی است. (خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۰۲):

بر در خاکش خجل بنشسته چرخ نیم رو خاکی و خون آلود بس

۳- نتیجه‌گیری

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، حجم بالای اغلاط مطبعی، حرکه گذاری‌های نادرست و بی‌جا، استفاده از علائم سجاوندی بی‌مورد، حذف، اسقاط و دخل و تصرف در واژگان، قرائت‌های ناصواب، بدفهمی در معنی اصطلاح‌ها، ترکیب‌ها، کنایه‌ها، توضیح‌های نادرست و گمراه کننده، ضبط نادرست واژگان، عدم رعایت فاصله‌های میان واژه‌ای و میان لختی(هجائی)، عدم رعایت اصل جدا نویسی و عدم رعایت استقلال صرفی واژگان، مُثله کردن بیت‌ها و تحریف قوافی و ردیف‌های شناخته شده خاقانی، فرآوری بیت‌های مجعول و نادرست، گزینش صورت‌های غلط و ناکارآمد، ضبط‌های چندگانه از یک بیت واحد، انتساب بیت‌های دیگران به خاقانی، انتساب بیت‌های خاقانی به دیگران، عدم احاطه و اشراف به آثار خاقانی، عدم آشنایی با سبک شخصی خاقانی، عدم ارجاع نسخه و سال چاپ اثر استفاده شده و ... باعث شده است تا در یک مطالعه موردی(خاقانی)، ایرادها، کاستی‌ها و نقائص بسیاری از این نسخه‌ی لغت‌نامه (۱۳۷۷) آشکار شود. این در حالی است که اگر بیت‌های شاعران دیگر نیز، مورد بازبینی و تطبیق قرار گیرد؛ بدون تردید، حجم اشکال‌ها افزایش خواهد یافت. از این روی، بر اهالی علم و ادب فرض است تا با گرفتن گوشه‌ای از این کار خطیر، در رفع کاستی‌ها و تکمیل لغت‌نامه بکوشند تا این منبع با ارزش، مرجع بهتری برای پژوهشگران باشد و اعتبار، جایگاه، شأن و منزلت واقعی خود را باز یابد.

منابع

- ۱- احتشامی، شعله. (۱۳۸۲). «تحلیل اسنادی مدخل‌های اعلام تاریخی غیرشخص لغت‌نامه دهخدا»، مجله علمی- ترویجی تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی

- دانشگاهی، شماره ۴۰، صص ۱۷۳-۲۰۰.
- ۲- (۱۳۸۷). «تلنگری به مؤسسه لغت‌نامه دهخدا»، ماهنامه معرفی و نقد کتاب، شماره ۷۳، صص ۲۳۵-۲۴۰.
- ۳- استادی، رضا. (۱۳۷۷). «کاستی‌ها و ضعف‌ها در لغت‌نامه دهخدا. (الف)»، کیهان اندیشه، شماره ۷۸، صص ۵-۳۱.
- ۴- (۱۳۷۷). «کاستی‌ها و ضعف‌ها در لغت‌نامه دهخدا. (ب)»، کیهان اندیشه، شماره ۷۹، صص ۹۴-۱۲۱.
- ۵- امرایی، آرش. (۱۳۹۵). «ضرورت ویرایش لغت‌نامه دهخدا»، فصلنامه نقد کتاب، سال دوم، شماره ۵، صص ۲۲۷-۲۳۶.
- ۶- امینیان، معصومه. (۱۳۹۲). «معنی‌های ابتلاء در لغت‌نامه دهخدا»، مجله فرهنگ نویسی، پژوهش‌های لغوی، شماره ۷، صص ۲۴۱-۲۴۲.
- ۷- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، ۸ ج، تهران: سخن.
- ۸- انوری، علی محمد. (۱۳۷۷). دیوان حکیم انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۹- خاقانی شروانی، افضل‌الدین. (۱۳۶۸). دیوان خاقانی شروانی، مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات: سید ضیاء‌الدین سجادی، سوم، تهران: زوار.
- ۱۰- (۱۳۳۳). مثنوی تحفه العراقین، به اهتمام و تصحیح و تعلیقات: یحیی قریب، اول، تهران: سپهر.
- ۱۱- دژری، نجمه. (۱۳۹۱). «شعر سنایی در لغت‌نامه دهخدا»، مجله علمی- پژوهشی جستارهای ادبی، شماره ۱۷۸، صص ۵۷-۸۰.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، به قلم گروهی از نویسندگان، دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۳- رضایی، سیده نرگس. (۱۳۸۸). «معرفی و نقد اصول فرهنگ نویسی در انجمن آرای ناصری»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۶ (پیاپی ۲۲)، صص ۲۰۱-۱۸۳.
- ۱۴- رودکی، جعفر بن محمد. (۱۳۳۶). احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی، تصحیح: سعید نفیسی، اول، تهران: مطبعة فرومندی.
- ۱۵- ستوده، غلامرضا. (۱۳۸۳). «لغت‌نامه دهخدا از آغاز تا امروز»، ماهنامه حافظ، شماره ۸، صص ۱۵-۱۲.
- ۱۶- سجادی، ضیاء‌الدین. (۱۳۷۴). فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و

مشکلات دیوان خاقانی، دو جلد، اول، تهران: زوآر.

۱۷- سعدی شیرازی، شیخ مُصلح‌الدین. (۱۳۷۹). **کلیات سعدی**، تصحیح: محمد علی فروغی، هفتم، تهران: ققنوس.

۱۸- سلطانی، اکرم. (۱۳۹۳). «لغت‌نامه بزرگ فارسی اثری متمایز از لغت‌نامه دهخدا»، **نشریه بخارا**، سال ۱۶، شماره ۱۰۴، صص ۴۴۸-۴۴۶.

۱۹- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۶۸). **حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه**، تصحیح: محمد تقی مدرس رضوی، اول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۲۰- صادقی، علی اشرف. (۱۳۸۸). «شیوه‌های فرهنگ نویسی در لغت‌نامه دهخدا»، **نشریه فرهنگ نویسی (ویژه‌نامه فرهنگستان)**، شماره ۲، صص ۳۹-۲.

۲۱- عبدالرزاق اصفهانی، جمال‌الدین. (۱۳۶۱). **دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی**، تصحیح: حسن وحید دستگردی، اول، تهران: سنایی.

۲۲- عزّتی پور، احمد. (۱۳۷۷). «دفاع از فرهنگ دهخدا»، **کیهان اندیشه**، شماره ۸۰، صص ۱۵۴-۱۶۴.

۲۳- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۶). **فرهنگ‌نامه شعری**، ۳ جلد، اول، تهران: سروش.

۲۴- عوفی، محمد. (۱۹۰۶م).، **مثنوی معنوی**، تصحیح: ادوارد براون، اول، لیدن.

۲۵- فرّخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولغ. (۱۳۸۵). **دیوان حکیم فرّخی سیستانی**، تصحیح: محمد دبیر سیاقی، هفتم، تهران: زوآر.

۲۶- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). **شاه‌نامه فردوسی**، تصحیح: سعید حمیدیان، ۹ جلد، اول، تهران: دفتر نشر داد.

۲۷- فیروزنیا، علی اصغر. (۱۳۹۱). «یک نقل قول اشتباه در لغت‌نامه دهخدا»، به خلط و اشتباه راه یافته در مورد «طغرا»، **مجله حافظ**، شماره ۹۲، صفحه ۸۸.

۲۸- قطران تبریزی، ابومنصور. (۱۳۶۲). **دیوان قطران تبریزی**، تصحیح: محمد علی نخجوانی، با مقالاتی از بدیع الزمان فروزانفر، ذبیح الله صفا، حسن تقی زاده، اول، تهران: ققنوس.

۲۹- محمودی بختیاری، بهروز و تاج آبادی، فرزانه. (۱۳۹۱) «مقوله اتباع در لغت‌نامه دهخدا: یک بررسی مجدد»، **فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی**، شماره ۳، صص ۱۷۵-۱۹۲.

۳۰- مُعین، محمد. (۱۳۷۱). **فرهنگ فارسی**، ۶ جلد، هشتم، تهران: امیرکبیر.

۳۱- ملکوتی، سید علی. (۱۳۷۷). «نیم نگاهی به لغت‌نامه دهخدا»، **مجله آیین پژوهش**، شماره ۵۳، صص ۴۱-۴۳.

- ۳۲- موسوی بهیبهانی، سیدعلی. (۱۳۴۳). «لغت‌نامه یا بزرگ‌ترین فرهنگ در زبان فارسی»، **ماهنامه وحید**، شماره ۵، صص ۳۴-۴۶.
- ۳۳- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۸). **مثنوی معنوی**، تصحیح: رینولد نیکلسون، سوم، تهران: ققنوس.
- ۳۴- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۶ الف). **اقبال‌نامه**، تصحیح: حسن وحید دستگردی، اول، تهران: قطره.
- ۳۵- (۱۳۷۶ ب). **خسرو و شیرین**، تصحیح حسن وحید دستگردی، اول، تهران: قطره.
- ۳۶- (۱۳۶۹). **لیلی و مجنون**، تصحیح: برات زنجانی، اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳۷- (۱۳۷۰). **مخزن الاسرار**، تصحیح: برات زنجانی، اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳۸- (۱۳۳۵). **شرف‌نامه**، تصحیح: حسن وحید دستگردی، اول، تهران: ابن سینا.